

فرازهایی از تاریخچه مبارزاتی حزب ملت ایران نوشتاری از پروانه فروهر

سرانجام، تفاوت‌های اندیشه‌ای در راستای روند رویدادهای کشور، به‌ویژه موج فراگیر نهضت ملی شدن صنعت نفت، میان هموندان مکتب پان‌ایرانیسم به جدایی گروهی انجامید که بنیان‌گذاران حزب ملت ایران گردیدند و، از آن پس، پرچم ملت‌گرایی را در کشاکش رخدادهای ملی دلاورانه بر دوش کشیدند.

حزب ملت ایران بر بنیاد پان‌ایرانیسم در آبان‌ماه سال یکهزاروسیصدوسی خورشیدی در گرماگرم مبارزه‌ی ضد استعماری ملت ایران به رهبری مصدق بزرگ تشکیل گردید و نیروی جوان و شورمند آن در تمامی رخدادهای سیاسی به‌گونه‌ی نگهبانان راستین ارزش‌های ملی لحظه‌ای از انجام وظیفه غفلت نوزید و بسیاری از توطئه‌های دشمنان را، که هر روز در چهره‌ای نو رخ می‌نمود، نقش بر آب گردانید.

در قیام سی‌ام تیرماه همان سال، که مردم برای سرنگونی دولت قوام و بازگرداندن مصدق به جایگاه نخست‌وزیری در بیشتر شهرهای بزرگ ایران به‌پاخواستند، کارآیی و توانمندی نیروهای حزب ملت ایران بر همگان آشکار گردید. از آن پس، در تمامی دوران غرورآفرین دولت ملی، در پاسداری و نگهداشت دستاوردهای نهضت، حزب ملت ایران لحظه‌ای از تلاش فرونگداشت.

در فاصله‌ی دو کودتای بیست‌وپنجم و بیست‌وهشتم امردادماه سال یکهزاروسیصدوسی‌ودو، کمیته‌ی مرکزی حزب رهبر نهضت ملی را از پشتیبانی بی‌چون‌وچرای خود آگاه ساخت و آمادگی نیروهای حزبی را در اجرای هر فرمانی از سوی مصدق بزرگ بیان داشت.

در گرماگرم کودتای ننگین بیست‌وهشتم امرداد، به‌رغم آنکه قرارگاه حزب از جمله نخستین مکان‌هایی بود که مورد یورش قرار گرفت و بسیاری دستگیر شدند، در جای‌جای شهر، هموندان حزب ملت ایران به ایستادگی پرداختند؛ ولی در اثر ناهماهنگی نیروها و نبود رهبری، کاری از پیش نبردند. پس از استقرار کودتاگران، با آنکه داریوش فروهر همه جا مورد تعقیب گماشتگان امنیتی بود و دولت برای دستگیری او مبلغ بزرگی جایزه تعیین کرده بود، نیروهای حزب در پویایی نهضت مقاومت ملی سهم به‌سزایی داشتند و، در برگزاری گردهمایی‌های موضعی و پخش اعلامیه و تراکت، امان از دولتیان بریدند و حتی بازداشت داریوش فروهر و تنی چند از وابستگان حزب در دی‌ماه همان سال در روند تلاش هم‌زمان تغییر چندانی پدید نیاورد. ولی با افزایش شمار بازداشت‌شدگان و بالا گرفتن موج خشونت، مبارزه از جوش و خروش خیابانی افتاد و نشریه‌های پنهانی جای آن را گرفت که آرمان ملت، ارگان ستاد پنهانی حزب ملت ایران، به‌گونه‌ی یکی از پرشورترین نوشتارها دست به دست می‌گردید.

با آزادی دبیر حزب، شیوه‌ی رزم پنهانی به آزمون گذارده شد و تنی چند از یاران به فراگیری روش‌های آن خوانده شدند؛ ولی بازداشت دوباره‌ی داریوش فروهر، که رهبری جریان را بر عهده داشت، سبب گردید حزب ما بار دیگر مبارزه را با ادامه‌ی نشر آرمان ملت و حفظ تماس‌های حساب‌شده‌ی فردی دنبال کند. آرمان ملت، که در قطع کوچک و با استفاده از دستگاه پلی‌کپی نشر می‌یافت، به بیان دیدگاه‌های حزب پرداخت و، در جو اختناق‌آمیز کشور، فروزه‌ی امیدی گردید که می‌رفت به خاموشی گراید.

در دی‌ماه یکهزاروسیصدوسی‌وهفت، مرام‌نامه‌ی حزب ملت ایران تدوین‌شده در چهارده فراز به تصویب نمایندگان

گروه‌های اجتماعی حزب ملت ایران رسید.

با توجه به این اصل پذیرفته‌شده که ملت جریان سیال و ناگسستنی سلسله‌ی نسل‌های گذشته و حال و آینده است و میهن پهنه‌ای که زیست تبار ملی در آن پیشینه‌ی کهن دارد و، از جهت تاریخی، وابسته به سلسله‌ی نسل‌های ناگسستنی ملت می‌باشد، مرامنامه‌ی حزب به گونه‌ای تهیه گردید که در برگیرنده‌ی آرمان‌های ملی در گستره‌ی ایران‌زمین باشد - ایرانی که چندین هزاره، بزرگ یا کوچک، افتان و خیزان، فراز و فرود، بر دوش نیرومند همت تیره‌های گوناگون خود بر جای و استوار است.

در فراز چهارم مرامنامه، آنجا که تأمین کامل حقوق اجتماعی زنان و مردان کشور را لازم می‌شمرد و به آزادی‌های فردی تا آنجا که با آزادی ملی برخورد نداشته باشد ارج می‌نهد، دموکراسی را به گونه‌ی اساسی‌ترین نیاز زندگی انسان طرح کرده و راهبری جامعه را، خواه مستقیم و خواه به‌واسطه، به خود مردم وامی‌گذارد؛ و در فراز پنجم، که بر پدید آمدن یک نظام جدید ملی و برقراری قانون‌هایی که در برگیرنده‌ی همه‌ی حقوق اساسی مردم ایران باشد پای می‌فشرد، این مفهوم را به‌روشنی بیان می‌کند. در چهارده فراز مرامنامه، به‌رغم فشردگی، تمام دیدگاه‌های حزب پیرامون زندگی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مردم ایران، از زن و مرد، آرمان‌خواهانه و به‌روشنی بیان گردیده است.

در این زمان، بالا رفتن تیراژ روزنامه‌ی پنهانی آرمان ملت بار دیگر نظام کودتا را به وحشت افکند؛ و سرانجام، داریوش فروهر به همراه پانزده تن از یاران و هم‌زمانش دستگیر و راهی زندان گردیدند. در این دوره از زندان، هم دبیر حزب و هم دیگر هموندان او به سختی مورد آزار و شکنجه قرار گرفتند تا شاید از ادامه‌ی مبارزه دست بکشند که ایستادگی و سرسختی همه سرانجام نرمش‌هایی در کردار زندانبان‌ها پدید آورد و تنی چند آزاد شدند. در همین زمان، برخورد سوداگران جهان دگرگونی‌هایی در سیاست‌های کاربردی استعمارگران پدیدآورد و سردمداران کشور را واداشت داریوش فروهر را، که هنوز در زندان به‌سرمی‌برد، رها سازند.

هواداران سرشناس جبهه‌ی ملی نیز با استفاده از فضای به‌نسبت باز سیاسی تلاش‌های تازه‌ای را آغاز کردند و، به بهانه‌ی شرکت در انتخاباتی که نوید آزادی آن از جمله داعیه‌های نظام بود، گردهمایی‌هایی ترتیب دادند. داریوش فروهر نیز از گرد راه نرسیده به صف نخست کوشندگان پیوست و به گونه‌ی نماینده‌ی حزب ملت ایران در شورای جبهه‌ی ملی شرکت نمود.

نخستین گردهمایی بزرگ ناسازواران با نظام حاکم در روز شانزدهم آذرماه با شرکت هزاران دانشجو در دانشگاه تهران برگزار شد که دانشجویان وابسته به حزب ملت ایران آشکارا گردانندگی آن را برعهده داشتند.

در استقرار خانه‌ی یکصدوچهلوسه، که «باشگاه جبهه‌ی ملی» نام گرفت، و [در] گردهمایی‌های هفتگی آن نیز، کاربه‌دستان و هموندان حزب ملت ایران نقش چشمگیری داشتند؛ به گونه‌ای که بار دیگر در دی‌ماه و پیش از انجام انتخابات دبیر حزب دستگیر و روانه‌ی زندان شد؛ ولی دوران این بازداشت به دلیل اوج‌گیری کوشش‌های مردمی و اعتراضی که پیاپی نسبت به آن انجام می‌گرفت، از یک سو، و اعلامیه‌های جبهه‌ی ملی، که داریوش فروهر را «نامزد نمایندگی مجلس» نام نهاد، از سوی دیگر، چندان به درازا نکشید و، در فروردین‌ماه سال یکهزاروسیصدوچهل، به میان یاران خود بازگشت.

در نگاه داشت نظم و برپایی گردهمایی شکوهمند بیست‌وهشت اردیبهشت‌ماه، که پس از سال‌ها نخستین اجتماع ده‌هزار تن مردم آرمان‌خواه و هواداران نهضت ملی بود، نیز کاربه‌دستان حزب ملت ایران از خود شایستگی

فراوان نشان دادند.

رهبری میتینگ موضعی سی‌ام تیرماه، در حالی که بار دیگر داریوش فروهر به همراه تمامی وابستگان شورای جبهه‌ی ملی در بازداشت به‌سر می‌بردند، بیشتر با هموندان حزب ملت ایران، به‌ویژه دانشجویان، بود. در این هنگام، دکتر علی امینی، نخست‌وزیر وقت، خواستار گفتگو با نمایندگان دانشجویان شد که، از پنج تن دیدارکننده، دو تن وابسته به حزب ملت ایران بودند.

در شهریورماه همان سال، کنگره‌ی حزب ملت ایران با شرکت برگزیدگان نهادهای حزبی در سراسر کشور تشکیل گردید و برخی واژگان مراسم را تغییر داد و همچنین پسوند «پان‌ایران‌یسم» را از نام حزب ملت ایران جدا کرد؛ و نیز کنگره تصویب نمود نهادی در راستای تلاش فرهنگی پیرامون دکترین پان‌ایران‌یسم پدید آید و هموندان آن، فارغ از مبارزه و تلاش‌های روز، راه‌های گسترش این اندیشه را مورد مطالعه و بررسی قرار دهند.

به هنگام تشکیل کنگره‌ی جبهه‌ی ملی و گزینش نمایندگان آن، شمار چشمگیر هموندان حزب ملت ایران در گروه‌های اجتماعی گوناگون از سراسر کشور کنگره را از بسیاری کژاندیشی‌ها و انحصارگری‌ها به دور داشت اما تفاوت دیدگاه سرانجام دو خط فکری کاملاً متفاوت را نمایان ساخت که یکی هواداران سیاست «صبر و انتظار» و دیگری خواهان سیاست «ایستادگی و کوشش» بود.

دکتر محمد مصدق، پیشوای زندانی ملت، که تا آن هنگام در جایگاه پیر طریقت تنها به اندرزگویی و رهنموددهی بسنده کرده بود، با ارسال پیام‌های کتبی شیوه‌ی درست مبارزه را روشن کرد و هواداران باایمان و کوشای خود را به گونه‌ی هسته‌ی مرکزی مبارزه به تشکیل جبهه‌ی ملی سوم فراخواند؛ و در این راستا، با دادن پیام‌های ویژه‌ای، از جمله داریوش فروهر را به انجام این مهم تشویق کرد.

پس از چند ماه تلاش و گردآمدن هواداران سیاست «ایستادگی و کوشش»، روزنه‌های امید گشوده شد؛ ولی درست در همین هنگام، استبداد زیر فشار تبلیغات امپریالیسم آمریکا در راستای نمایش دگرگونی‌های اجتماعی زیر نام «انقلاب شاه و مردم» بار دیگر صدها تن از مبارزان، به‌ویژه دانشجویان، را به بند کشید تا با آسودگی خیال آنچه را می‌خواهد بر کرسی بنشانند.

در این هنگام، به‌رغم چنددستگی در میان مبارزان، شعار «اصلاحات آری، دیکتاتوری نه» به گونه‌ی روشن‌ترین خط تکاپو انحصارگران انقلابی‌شده را به درگیری‌های خشونت‌آمیز و مرگبار خیابانی کشانید و، به‌ویژه در دانشگاه، شدت ضرب‌وشتم دختران و پسران دانشجو ژرفای اصلاحات شاهانه را به نمایش گذارد! سازمان اطلاعات و امنیت نیز با بازداشت تمامی وابستگان شورای جبهه‌ی ملی و صدها تن از دانشجویان و بازاریان نماینده‌ی کامل را کرد.

دوران این بازداشت، که ماه‌ها به درازا کشید، تفاوت بینش‌ها را آشکارتر ساخت و هواداران سیاست «صبر و انتظار» و «ایستادگی و کوشش» را در برابر یکدیگر قرارداد. داریوش فروهر، دبیر حزب ملت ایران، پس از نزدیک به یک سال آزاد شد و بی‌درنگ به تلاش در راستای رهنمودهای مصدق بزرگ پرداخت.

در این زمان، نشریه‌ی پیام دانشجو، که با بینش درست به بررسی رویدادها می‌پرداخت، بذر امید در یخبندان زمانه‌ای که دانه‌های عمل از زمینش کمتر جوانه می‌زد می‌پراکند. هنوز چند ماهی بیشتر از این تلاش دوباره نگذشته بود، درحالی که می‌رفت سازمان نوپای جبهه‌ی ملی سوم شکل بگیرد، داریوش فروهر، که در هسته‌ی مرکزی این کوشش زیر پیگیری دستگاه‌های امنیتی بود، به همراه ده‌ها دانشجو بازداشت گردید. هم‌زمان بسیاری از

دانشجویان از کلاس درس راهی سربازی شدند که بسیاری از آنها هموندان حزب ملت ایران بودند.

نظام استبدادی وابسته به استعمار در راستای فروپاشی نیروهای ملی به تشکیل دادگاه‌های فرمایشی پرداخت و از جمله داریوش فروهر را به سه سال زندان محکوم کرد.

دبیر حزب پس از گذراندن دوران محکومیت آزاد گردید و، در حالی که بختک سکوت سراسر جامعه را پوشانده بود و تلاش‌های قانونی به کورمه راه افتاده بود، بار دیگر، تلاشی دیگر آغاز نمود و هسته‌ای از جوانان پدید آورد و به کار آموزش شیوه‌های رزم همت گماشت؛ ولی هنوز کار سامان بسنده نیافته بود که توطئه‌ی جدایی بحرین و اعتراض حزب ملت ایران پیش آمد و، در فروردین‌ماه، بار دیگر، دبیر حزب راهی زندان شد و رشته‌ی رابطه‌ها گسست و شبکه‌ی جوان و پرتکاپو و امیدآفرین بدون کاربرد تعطیل گردید.

در اعتراض به جدایی بحرین، علاوه بر دبیر حزب، که سه سال در زندان به‌سربرد، چند تن از وابستگان شورای شهرستان تهران نیز مدت‌ها در بازداشت بودند. بی‌گمان، اگر تلاش‌های گسترده‌ی ناسازواران برون‌مرزی نبود - که در درون هر صدا را در کام فرومی‌بردند - بسیار بیشتر طول می‌کشید.

سال یکهزاروسیصدوپنجاه‌وپنج، بار دیگر، حزب تلاش‌های تازه‌ای برای هماهنگی نیروهای ملی آغاز کرد. در این راستا، روز بیست‌ونهم اردیبهشت‌ماه، زادروز مصدق بزرگ، را برای نخستین بار با شرکت برخی از کوشندگان حزبی و تنی چند از هواداران بر مزار پیشوا برگزار کرد. سال بعد، این آیین با شرکت چهره‌های سرشناس جبهه‌ی ملی و حزب‌های سیاسی ناسازوار با روند دیکتاتوری با رعایت پنهان‌کاری کامل در خانه‌ی دبیر حزب بر پا شد و به گونه‌ی فروزه‌ای از امید درخشیدن گرفت. دو ماه پس از آن، نشر نامه‌ی سرگشاده به «پادشاه کشور» با امضای دکتر کریم سنجابی، دکتر شاپور بختیار و داریوش فروهر، که در آن پس از بیان بن‌بست‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی ایران به نشان دادن رهیافت‌های روشن و ملی پراخته بود، جامعه‌ی خواب و بردبار را با نخستین تکان‌های اثربخش روبه‌رو کرد، حزب‌ها و نهادهای سیاسی از لاک سخت‌شده‌ی خود به در شدند و گرده‌مایی‌ها رنگ و بوی امید گرفت و مقدمه‌ی شکل‌گیری جبهه‌ی ملی چهارم فراهم آمد.

پاییز همان سال، داریوش فروهر در اجتماع بازاریان هوادار جبهه‌ی ملی در خانه‌ی هم‌رزم لقای، که بعدها تیرباران گردید، درحالی‌که گرداگرد آن را گماشتگان امنیتی فراگرفته بودند، طی سخنان پرشور و شجاعانه‌ای به بیان ویژگی‌های مصدق بزرگ پرداخت و دیدگاه‌های آن ابرمرد تاریخ را برشمرد و از مصدق‌ها خواست او را به گونه‌ی معیار و ترازوی زندگی اجتماعی و سیاسی خود پیوسته در نظر داشته باشند.

چندی بعد، بار دیگر، به بهانه‌ی عید قربان و به دعوت داریوش فروهر، در باغ گلزار، واقع در کاروان‌سرا سنگی، در چند کیلومتری کرج، اجتماع بزرگی تشکیل گردید که مورد حمله‌ی شدید چماق‌داران ساواک قرار گرفت و شمار بسیاری زخمی شدند و آسیب دیدند. در همین هنگام، نخستین اعلامیه با امضای اتحاد نیروهای جبهه‌ی ملی نشر یافت که بخش تبلیغات حزب ملت ایران در آن نقش اساسی داشت.

در تشکیل جبهه‌ی ملی چهارم نیز، دبیر حزب ملت ایران و هم‌اندیشان او سهم بزرگی داشتند؛ و در آن مدتی که این همکاری دنبال شد، نیروهای حزبی به گونه‌ی بازوی توانای اجرائی این سازمان به حساب می‌آمدند. در کار نشر خبرنامه، ارگان اتحاد نیروهای جبهه‌ی ملی و سپس جبهه‌ی ملی، در تمام زمینه‌ها، از تنظیم و تهیه نوشتارها تا تکثیر و زیراکس، تنی چند از هموندان حزب ملت ایران سهم داشتند. پس از پیروزی انقلاب نیز، مسئولیت خبرنامه، که به صورت روزنامه‌ی رسمی و به گونه‌ی هفتگی و با نام جبهه‌ی ملی ایران نشر یافت، با چند تن از هم‌زمان بود.

به دنبال پیدایی اختلاف نظرهایی در سازمان رهبری جبهه‌ی ملی، حزب از این نهاد سیاسی جداگردید و چندی بعد روزنامه‌ی آرمان ملت، ارگان رسمی خود، را منتشر نمود که تا جریان شبه‌کودتای خرداد ۱۳۶۰ و استقرار دیکتاتوری کامل و یکه‌تازانه‌ی واپس‌گرایان دنبال شد.

به هنگام حمله‌ی نیروهای اهریمنی کشور استعمارساخته‌ی عراق به نیاخاک، حزب ملت ایران به گسیل نیروهای جوان خود برای دفاع از میهن پرداخت و، با ایجاد یک سپاه چریکی در درون خاک عراق، به این امید دل بست که مورد پشتیبانی فرماندهان نبرد قرار خواهد گرفت؛ ولی درست در بزنگاه پیروزی و در حالی که قلعه‌ی نظامی حاج عمران به دست رزمندگان فتح گردیده بود، نبود فرماندهی شایسته و دخالت‌های ناروا سبب گردید نه تنها نیروهای پشتیبانی از راه نرسند، که تمامی کمک‌ها نیز قطع گردد. سرانجام نیز جنگ سرنوشتی که می‌شد به سود ایران و در راستای برآورد آرمان‌های ملی پایان یابد سال‌ها بعد به خفت و خواری و نوشیدن «زهر» صلح ننگین انجامید. به دنبال شبه‌کودتای سال یکهزاروسیصدوشصت و گسترش جو خفقان و استقرار نیروهای واپس‌گرایان، روزنامه‌ی آرمان ملت به محاق توقیف کشیده شد و قرارگاه حزب به اشغال گماشتگان امنیتی درآمد و بار دیگر تلاش‌های سیاسی به گونه‌ی پنهانی و در خانه‌های امن دنبال گردید.

سال یکهزاروسیصدوشصت‌ویک، دبیر و چند تن از هم‌زمان حزب بازداشت شدند و ماه‌ها در زندان به‌سربردند. در تمام مدت، به‌رغم جو وحشت و سانسور، حزب با استفاده از بزنگاه‌ها به دادن اعلامیه و تراکت پرداخت و دیدگاه‌های خود را پیرامون نابسامانی‌های اجتماعی بیان کرد و پیوسته به موردهای نقض حقوق فردی و اجتماعی مردم ایران اعتراض نمود. در همین راستا، دبیر حزب در دو بار دیداری که با رینالدو گالیندویل، نماینده‌ی ویژه‌ی سازمان ملل، داشت با بیان نمونه‌های ثبت‌شده، موردهای آشکار نقض حقوق بشر را در ایران روشن نمود. حزب ملت ایران در هر فرصتی به بیان دیدگاه‌های خود و اعتراض نسبت به یکه‌تازی و خفقان و نابسامانی‌های اجتماعی پرداخته و به مردم هشدارهای لازم را نسبت به چگونگی رویدادهای کشور داده است؛ و به‌راستی می‌توان گفت پژواک تلاش و ایستادگی سراسر زندگی حزب را پر کرده است و به‌گونه‌ی نمودی مداوم، پایا، فراخ‌حوصله و بردبار و ازخودگذشته از این پس نیز علیه پلشتکاری و واپس‌گرایی، که دیگر رنگ خیانت به خود گرفته، مبارزه را ادامه خواهد داد. باشد که، بار دیگر، همگام با تمام نیروهای مردمی و با پشتیبانی بیش از چهل سال تجربه در صحنه‌ی نبرد، تعهد بزرگ خویش را به انجام رساند تا در سراسر گستره‌ی ایران‌زمین، درفش استقلال و آزادی به اهتزاز درآید و مردم به‌تباهی‌کشیده‌شده از عدالت اجتماعی برخوردار گردند.

چنین باد!